

تاریخ سیاسی شرق کیلان

از انقلاب مشروطیت

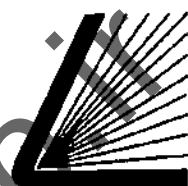
تا
انقلاب اسلامی

نویسنده:

خلیل سلیمی

اندیشه فود را ماندگار کنید

- سرشناسه : سلیمی، خلیل، ۱۳۳۹- نویسنده
- عنوان و نام پدیدآور : تاریخ سیاسی شرق گیلان از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی
نویسنده خلیل سلیمی.
- مشخصات نشر : تهران: انتشارات نظری، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص. : (مصور)
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۷-۶۳-۶
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : گیلان -- شاهان و فرمانروایان.
- موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق -- گیلان.
- موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۵۷
- رده‌بندی کنگره : DSR ۲۰۴۹ ی ۸۵ س ۸ ۱۳۸۹
- رده‌بندی دیویی : ۹۵۵ / ۲۳ :
- شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۰۵۶۷۰۲



انتشارات نظری

نام کتاب: تاریخ سیاسی شرق گیلان از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

نویسنده: خلیل سلیمی

مدیر تولید: محمدمهدی حاجی کریم نظری

ویراستار: آریتا عظیمی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: امیدگرافیک، دالاهو و نفیس

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۹۷-۶۳-۶

تهران: خیابان ولی عصر، خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد)

نیش خیابان فتحی شقایق، پلاک ۳۲، طبقه دوم، واحد ۱۷

تلفن: ۸۸۱۰۴۴۴۱-۲ فاکس: ۸۸۱۰۴۴۴۰ همراه: ۰۹۱۹۷۶۰۲۸۳۰

www.nashrenazari.com info@nashrenazari.com

پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۹۰۷۷۷۷۷۸

مرکز توزیع و فروش: تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵ همراه: ۰۹۱۹۷۶۰۲۸۳۱

قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

فهرست

۱۱	مقدمه.....
۱۳	پیش درآمد.....
۱۹	بخش اول:
۲۱	فئودالیزم فرهنگی.....
۲۳	حفظ موقعیت به هر قیمت.....
۲۴	دیدگاه رعیت نسبت به مالک.....
۲۵	دیدگاه ارباب نسبت به رعیت.....
۲۵	نمایندگان شرق گیلان از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی.....
۲۹	بخش دوم:
۳۱	عیاران در تاریخ معاصر گیلان (حیدرخان فشتالی، محمدرضاخان سرلیلی، کردآقاخان).....
۳۲	حیدرخان فشتالی کیست؟.....
۳۳	اصل و نسب حیدرخان.....
۳۷	پارتیزانان.....
۴۱	ابهام در کتاب سردار جنگل.....
۴۲	حقیقت چیست؟.....
۴۷	شخصیت حیدرخان.....
۵۱	حیدرخان عیار.....
۵۲	حیدرخان و مشروطیت.....
۵۵	سازگاری روزگار.....
۵۹	منابع مالی و تسلیحاتی حیدرخان.....
۶۱	عیاران سرلیل.....
۶۳	ارتباط حیدرخان فشتالی، محمدرضاخان سرلیلی و میرزا کوچک خان جنگلی.....
۶۶	حرکت میرزا به سمت پلام.....

۶۹	احضار فرماندهان.....
۷۰	سرنوشت وثوق و میرزا علی بعد از ترک پلام توسط میرزا.....
۷۱	میرزا کوچک خان در سرلیل.....
۷۳	سرنوشت یاران میرزا کوچک خان.....
۷۶	سرنوشت حیدرخان.....
۸۱	خاندان حیدرخان بعد از مرگ او.....
۹۱	سرگذشت محمدرضاخان.....
۹۹	پیامد این جنایت غمبار.....
۱۰۱	کبل ابراهیم پلامی و میرزا کوچک خان.....
۱۰۷	سرانجام وصایای میرزا.....
۱۰۸	دکتر عبدالله گوجی.....
۱۱۰	رویداد غم انگیز کردآقاجان.....
۱۱۲	بازیگران رویداد کردآقاجان.....
۱۱۳	کردآقاجان.....
۱۱۶	رعنا.....
۱۱۷	هادی.....
۱۱۹	دامنه‌ی فرهنگی ماجرای کردآقاجان.....
۱۲۰	داستان رعنا و کردآقاجان.....
۱۲۶	پایان سرنوشت.....
۱۲۸	مجازات هادی.....
۱۳۰	رعنای شوریده حال.....
۱۳۲	شعر قدیمی و اصیل رعنا.....
۱۳۶	گپ و گفتی با رمضان جوزی.....

بخش سوم: ۱۳۹

۱۴۱	شبکه‌ی فامیلی بزرگ مالکان شرق گیلان از مشروطیت تا اصلاحات ارضی.....
۱۴۴	سرشاخه‌های اصلی.....
۱۴۸	مهم‌ترین شبکه‌ی فامیل سیبی بزرگ مالکان.....
۱۴۹	خاندان عسکری رانکوهی.....
۱۵۰	خاندان آسیدحبیب.....
۱۵۰	فرزندان آسید حبیب.....
۱۵۰	روابط تجاری میرعبدالوهاب با روسیه.....
۱۵۱	آسید حبیب.....
۱۵۵	فرزندان میرعبدالوهاب.....
۱۵۷	فرزندان گوهرتاج خانم.....
۱۵۸	خاندان آسیدتقی (محمدتقی).....
۱۵۹	سلیمه آواجی.....

۱۶۰	وئوق الممالک عسکری رانکوهی.....
۱۶۱	حاصل ازدواج سلیمه خانم و وئوق عسکری.....
۱۶۱	فرزندان سید تقی خان
۱۶۱	حاصل ازدواج حوا خانم دختر عبدالله تباری و وئوق عسکری
۱۶۳	حاصل ازدواج وئوق عسکری با صفراخانم بلوکباشی
۱۶۳	دلیل انقلابی شدن وئوق الممالک عسکری.....
۱۶۴	عاقبت وئوق الممالک عسکری رانکوهی
۱۶۵	خاندان قاضی رئیس.....
۱۶۵	خاندان یوسف خان ایران نژاد.....
۱۶۶	فرزندان یوسف خان.....
۱۶۸	قتل یوسف خان ایران نژاد.....
۱۷۱	سرگذشت حبیب الله خان ایران نژاد.....
۱۷۴	خاندان صوفی املشی.....
۱۷۸	گپ و گفتی با محمدهادی میزان صوفی.....
۱۸۰	نسب نامه‌ی خاندان صوفی.....
۱۸۰	حاج میرزا محمدعلی خان حاکم رانکوه.....
۱۸۱	فرزندان آقا نصرالله شلمانی (نایب الحکومه گیلان)
۱۸۲	فرزندان حاج میرزایحیی خان (حاجی خان).....
۱۸۳	سه فرزند مشهور حاجی خان.....
۱۸۴	نصرت الله خان
۱۸۴	فرزندان نصرت الله خان.....
۱۸۶	فرزندان محمدتقی خان
۱۸۷	فرزندان جمعفرخان یحیی پور
۱۸۷	فرزندان احمدعلی خان.....
۱۸۸	فرزندان عبدالعلی خان
۱۸۸	فرزندان امیر امان الله خان
۱۸۹	خاندان صوفی
۱۹۱	خاندان محمودی و هدایتی از اطاقور.....
۱۹۱	خاندان هوشمند دیارجان.....
۱۹۲	خاندان سیروس خان سیاهکلرودی.....
۱۹۳	حاصل ازدواج زهرا خانم دختر وئوق عسکری با میرزاعلی خان فریدونی.....

۱۹۵

بخش چهارم:

۱۹۷	ارباب شعر و ادب.....
۱۹۸	عیسی مسیحا (تخلص سایه‌وار).....
۲۰۱	گپ و گفتی با عیسی مسیحا.....

- ۲۰۵ امان الله خان صوفی و اصلاحات ارضی
- ۲۰۶ شمعی از امیر امان الله صوفی سیاوش

- ۲۰۹ بخش پنجم:
- ۲۱۱ عبدالعلی ساتراپی.

- ۲۱۵ بخش ششم:
- ۲۱۷ اوضاع منطقه‌ی رودسر در گپ و گفتی با ایرج هوسمی
- ۲۱۹ نقش ایرج هوسمی در ختم بحران توتکله
- ۲۲۲ سه گروه وابسته به آسید حبیب
- ۲۲۳ خرده مالکان منطقه‌ی رودسر
- ۲۲۳ خاندان ارفع‌التجار رودسری
- ۲۲۳ خاندان حاج اسماعیل کاظمی (رودسری)
- ۲۲۴ خاندان قاسم زاده رودسری
- ۲۲۵ علت درگذشت عبدالخالق هوسمی حکمران چابکسر

مقدمه

پژوهشگران در تدوین و تألیف تاریخ سیاسی معاصر با موانع آشکار و نهان بی‌شماری مواجه بوده‌اند. وجود محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی ایجاد می‌نماید تا نویسندگان و پژوهشگر ایرانی ملاحظات را در نگرش و نگارش، مورد لحاظ قرار دهند تا از برخی واکنش‌های احتمالی مصون بمانند.

از جمله مشکلاتی که در تدوین کتاب حاضر با آن مواجه گشتم، عدم همراهی بزرگوارانی بود که حاضر نشدند حتی با توجیهات فراوان اینجانب، اطلاعات ذی‌قیمت خویش را در اختیارم قرار دهند. این امر در عین آن که بر دشواری کار افزود، دستیابی به حقیقت را نیز مشکل نمود.

با این همه برخی از آگاهان و دانشوران شرق گیلان از سیاهکل تا چابکسر، راهنمایی‌های صمیمانه‌ی خود را از اینجانب دریغ ننمودند و زمانی که به آنها مراجعه کردم، با اقبال بی‌شائبه‌ی آنها روبرو گشتم.

در این جا بر خود لازم می‌دانم از همکاری و همراهی صمیمانه‌ی آقایان ایرج هوسمی، عزیزالله صوفی سیاوش (پاشاخان)، غلامعلی بامداد ماحیانی، افشین پرتو، فریدون ترقاق، عیسی مسیحا، هادی میزان (صوفی)، فرامرز طاهری (کیا) و خانم‌ها فخری میرحبیبی، پروین ایران نژاد، زهرا فداکار (قوامی) و بهجت عسکری سپاس‌گزاری نمایم. بی‌تردید کتاب حاضر با کاستی‌هایی روبروست که شایسته است آگاهان و پژوهندگان با نقد و بررسی آن، نگارنده را در نزدیک‌تر شدن به حقیقت یاری‌رسان باشند.

خلیل سلیمی

پیش درآمد

این کتاب، به خاندان‌های حکومتگر در شرق گیلان و پیامد حضور بلامنازع آنان در فکر و فرهنگ و اقتصاد این منطقه با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی از مشروطیت تا استقرار برنامه‌ی اصلاحات ارضی (رفراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ خورشیدی) نظر دارد. دوره‌ای که هنوز نظام بزرگ مالکی و فئودالی و به عبارت عامیانه، نظام ارباب و رعیتی بر سرنوشت مردم منطقه حاکم بود.

در این دوره‌ی تاریخی، به تدریج افسانه‌ی فناپذیری نظام ارباب و رعیتی از پس چند هزار سال قوام و دوام، مورد تردید واقع شده و مشروعیت تاریخی و مقبولیت اجتماعی آن با توجه به رویدادهای شگرف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان، در معرض تند باد نابودی قرار می‌گیرد.

به طور کلی برخی از مهم‌ترین تحولات سرنوشت سازی را که از دوران مشروطیت تا استقرار برنامه‌ی اصلاحات ارضی در ایران و در ارتباط با ایران در جهان اتفاق افتاد و طبیعتاً

تأثیراتی ژرف بر این حوزه‌ی جغرافیایی باقی نهاد، می‌توان چنین بر شمرد:

الف- نفوذ فرهنگ قانونمداری تمدن اروپا که به انقلاب مشروطیت و تدوین قانون اساسی ایران منجر شد.

ب- مقاومت ساختار ارباب و رعیتی حاکم و لایه‌های حکومتگر در برابر بیداری ملت ایران، که در نهایت به سقوط قاجاریه انجامید.

ج- دخالت قدرت‌های بزرگ جهانی در سرنوشت سایر ملت‌های عقب افتاده که در ایران منجر به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ گردید.

د- رقابت قدرت‌های بزرگ در دستیابی به بازار مواد خام و صنعتی که موجبات جنگ جهانی اول را فراهم آورد و البته این جنگ، گیلان را نیز از ویرانی و کشت و کشتار بی‌نصیب نگذاشت.

ه- تقسیم ایران به سه بخش بر اساس قرارداد ۱۹۱۹ (توسط حسن وثوق برادر قوام‌السلطنه) که باعث گردید شمال کشور پیش از پیش، تحت نفوذ روسیه بلشویک قرار گیرد.

و- گسترش حرکت‌های آزادی خواهانه در جهان و ظهور و سقوط نهضت جنگل در گیلان که با حمایت آزادیخواهان ایرانی و انقلابیون بلشویک مواجه گشت.

ز- استقرار دولت پهلوی و اجرای اصلاحات ارضی اول توسط رضاشاه که به تحولات عمیقی در شمال ایران و متعاقب آن در شرق گیلان منجر گردید.

ح- وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تأسیس حزب توده‌ی ایران و حمایت دولت بلشویک از آن.

ت- وقوع جنگ دوم جهانی و سقوط دولت رضاشاه و بازگشت بزرگ مالکان به عرصه‌ی سیاست شرق گیلان و تصرف مجدد اراضی وسیع ملی (که توسط رضاشاه تصرف و یا ملی اعلام شده بود).

ی- ظهور قوام السلطنه و نقش آن در تحولات سیاسی ایران از جمله در شرق گیلان.

ک- اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب و رعیتی به عنوان یکی از اصول بنیادین انقلاب سفید و تأثیر آن در تعیین سرنوشت مردم شرق گیلان.

عناصر و عوامل گوناگون دیگری نیز در تحولات این دوره از تاریخ ایران دخیل بوده‌اند که در جریان این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

شالوده‌ی نظام ارباب و رعیتی در ایران بر اساس مبانی فکری و فرهنگی ایرانیان پیش از ورود اسلام، قوام و دوام یافته و لایه‌های آن در عرف، عادت و سنت ایرانی آنچنان رسوخ نموده بود که به سهولت از درون، قابلیت دگرگونی نداشت. مگر آن که یک قدرت فائده از

بالا با اقتدار وارد عمل شده و با برنامه‌ای مدون و همه جانبه، جامعه‌ی غنوده در بستر فرهنگ کهن ارباب و رعیتی را به پذیرش واقعیات جدید و دگرگونی جهان پیرامون وادار سازد.

این برنامه‌ی مدون در شرق گیلان از نظر نگارنده همان استقرار اصلاحات ارضی در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ خورشیدی بود.

از چند هزار سال پیش که نظام پادشاهی در ایران استقرار یافت، این فکر که شاه نه تنها سایه‌ی خداوند، بلکه خود خدایی دیگر بر زمین و مالک مطلق مملکت است، به تدریج جنبه‌ی مذهبی به خود گرفت و تبدیل به باوری غیرقابل تردید گشت.

در سلسله مراتب جامعه‌ی ظالمانه‌ی ارباب و رعیتی، بعد از شاه و دربار، این بزرگ مالکان بودند که کشور را در حیطه‌ی مقتدرانه‌ی خویش اداره می‌کردند و از همه گونه مواهب زندگی اجتماعی موجود بهره‌مند می‌شدند.

جامعه‌ی روستایی ایران در تاریخ دیربای ارباب و رعیتی به مانند اردوگاهی بود که گروهی انسان، بدون برخورداری از کمترین امکانات زندگی در آن به کار اجباری واداشته می‌شدند. در این اردوگاه اجباری هر چه بود کار بود؛ آن هم کاری که از طاقت انسان خارج بود. ارباب، رئیس این اردوگاه بود و از کاخ خویش در فلان شهر دوردست به طور نامرئی بر آن مدیریت می‌نمود. این گونه مدیریت بر اردوگاه بزرگ‌تری به نام ایران را شاهنشاه بر عهده داشت. او نیز در کاخ خویش بر تخت می‌نشست و از طریق درباریان و اربابان بر سرتاسر ایران حکمفرمایی می‌نمود. به عبارت دیگر، حکومت اربابی را باید استمرار اقتدار اختاپوسی حکومت شاهنشاهی دانست که نظامی یک پارچه بود و از دربار شاهنشاهی تا پستوی کاشانه‌ی دهقان ایرانی استقرار یافته بود.

آری، رعیت پروری و محروم پروری، حکایت تلخ تاریخ پر فراز و نشیب ایران است که در این نظام، رعیت فراهم آورنده‌ی امکانات زندگی ارباب بود. به طور مثال هرگاه اراده‌ی مالکان بزرگ بر این تعلق می‌گرفت تا در نقاط خوش آب و هوای ییلاق آشکورات کاخ‌هایی با شکوه برای خود احداث کنند، دهقانان تحت ستم ناگزیر بودند علاوه بر بیگاری تا پایان کار ساختمان، هزینه‌ی ساخت و ساز و لوازم و ابزار کاخ خان بزرگ را نیز تأمین نمایند. از سوی دیگر زنان روستایی هفته‌ها و ماه‌ها ناگزیر بودند مانند کنیزکان به اسارت درآمده و برای کارگران و نجاران و معماران شاغل در ساختمان «خان» به پخت و پز و شستشو پردازند.

هر ساله در فصل زمستان، صدها رأس گاو و گوسفند متعلق به بزرگ مالکان، به جنگل نشینان، کوهپایه نشینان یا ساحل نشینان سپرده می‌شد تا آنها را برای چند ماه به طور رایگان و مجانی برای خان نگهداری نمایند.

دهقانانی که در مسیر ییلاق- قشلاق خان‌ها زندگی می‌کردند، ناگزیر بودند جا، مکان، منزل و خور و خواب و دیگر امیال خان بزرگ را تأمین نمایند. در چنین هنگامه‌هایی بود که دهقانانی که بهره‌ری بیشتری از زندگی داشتند، می‌بایست خانه و وسایل خویش را تخلیه و در اختیار خان و همراهان او قرار دهند.

از دیگر ستم‌های مالکانه، ارضای تمایلات و هوس‌های بی‌پایان و سیری‌ناپذیری بود که هرگونه رفتاری را در حق رعیت معمول و مشروع می‌ساخت. همچنین خان حق خود می‌دانست رعیت را به شیوه‌ی دلخواه مجازات نماید. این مجازات تا مرحله‌ی اعدام نیز مجاز شمرده می‌شد.

برخی از دهقانان که از ظلم و ستم ملاکان به تنگ می‌آمدند و هیچ راه و جایی برای فرار نداشتند، ناگزیر به عیاران و غیرتمندان از جان گذشته پناه می‌بردند.

بنابراین شالوده‌ی نظام ارباب و رعیتی مبتنی بر اجتماعی باستانی، با فرهنگ، آیین، سنت‌ها و شئونات مخصوص به خود و ساختاری سلسله‌مراتبی، تمام عرصه‌های اجتماعی و دیوان‌سالاری مملکت را در سیطره‌ی خود داشت و هرگونه واکنش و اعتراض نسبت به آن را با شدت سرکوب می‌نمود.

اینجانب با توجه به توضیحات مذکور در باب نظام ارباب و رعیتی و نیز از پژوهش‌های چندین ساله‌ی خود راجع به حکومتگران یک قرن گذشته‌ی شرق گیلان، به نتایج زیر دست یافتم:

الف- پادشاهان ایران برای قطع ارتباط عاطفی و فامیلی بین حکام ولایات با مردم ساکن آن، بیشتر از شاهزادگان، وابستگان، رؤسای تبعیدی ایلات و عشایر یا سرداران متمرّد اما مورد عفو قرار گرفته و بیگانه با مردم آن ولایت، بهره می‌بردند.^۱

ب- بیگانگی حکام ستمگر با مردم بومی، علت بی‌رحمی و دست‌اندازی به حریم خصوصی، مال، اموال، جان و شرافت و کرامت انسانی آنها بود. آنها تا بدانجا پیش

۱- روشن‌ترین دلیل این مدعا، تبعید ایل صوفی سیاه منصوری از کردستان به گیلان بود.

رفته بودند که نوعروسان زیبای قلمروی سیاسی خود را در شب زفافشان به تصرف درآورده و آنها را ملک طلق خود تلقی می نمودند.

د- زن در نظام ارباب و رعیتی وسیله‌ی عیش، عشرت و تمنیات جنسی و حلقه‌ی وصل هزار فامیل و اختاپوس حکومتگر در سرزمین شرقی گیلان بود. زن وسیله‌ی رزق و روزی بود. زن سند زندگی و نردبان ترقی بود. زن مسبب بسیاری از فتنه‌ها و جنگ‌ها بود. زن برقرارکننده‌ی صلح و سازش و ابزار توزیع ثروت و قدرت در بین خاندان بزرگ مالکان بود. زن موجب استحکام درونی یک خاندان یا یک فامیل به هم پیوسته بود. به همین دلیل دست به دست می گشت و با مرگ برادر یا عمو به ازدواج برادر یا برادرزاده درمی آمد تا میراث گرانهای خانواده (از اراضی تا خزاین و از دارایی مشهود تا غیرمشهود) از حیطه‌ی مالکیت یک خاندان خارج نگردد.

بدین سان بود که بی درنگ زن فامیل متوفی را به عقد شرعی خویش درمی آوردند تا به زندگی و ثروت او چنگ اندازند. در این طریق، زیبایی، سن و سال و شرم و حیا در امر ازدواج نقشی نداشت.